

عنوان مقاله:

چالش شکل و محتوا در اقتباس نمایشی از داستان های مرکب؛ با تمرکز بر دو اثر مد و مه و تابستان همان سال

محل انتشار:

پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، دوره 10، شماره 4 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

فرشته پایدارنوبخت - دانش آموزخته کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

محمدجعفر یوسفیان کناری - دانشیار گروه ادبیات نمایشی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

اقتباس نمایشی از ادبیات روایی، همواره یکی از مهم ترین مباحث چالش برانگیز پیش روی نویسندگان بوده است. این چالش در دوره مدرن و پسامدرن که مفهوم روایت به چالش کشیده شده و سبک های ادبی در شکل های متنوع تری پدید آمد بیشتر شد. در این دوران تمایل برای دستمایه قرار دادن آثار ادبی در سینما و تئاتر ضرورت شکل و فرم را پیش کشید و در نتیجه زمینه ای مهم برای پژوهش های ادبی و نظریه پردازی فراهم آمد. در این جستار، با توجه به اهمیت متون ادبی، کوشش شده به مطالعه راهکارهایی برای اقتباس از داستان های مرکب پرداخته شود. با این پرسش که چالش های اصلی اقتباس از داستان های مرکب چیست و چگونه می توان قرآتی نمایشی از این ژانر ادبی داشت. سوال فرعی این است که درام چگونه می تواند اندیشه ای را که به مدد کلمه بیان می شود، در قالب کردار و کنش دراماتیک بازنمایی نماید؟ گمان بر این است بهره گیری از نظریه های نوین در زمینه ساخت و فرم نمایشی می تواند راهگشا باشد. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و داده ها با مراجعه به منابع کتابخانه ای گردآوری شده است. الگوهای نظری مگی دان و آن موریس در زمینه شناخت رمان مرکب و نظریات سام اسمایلی در باب ساختارهای نوین نمایشی مورد توجه قرار گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می دهد در چالش اقتباس از روایت های ادبی مدرن که زبان عنصر اصلی و مشترک میان متن ادبی و متن نمایشی است، کشف مناسبات فرمی که بتواند در قالب نظامی از نشانه ها متن ادبی را به درام پیوند دهد، راهکاری مناسب خواهد بود.

کلمات کلیدی:

اقتباس نمایشی، رمان مرکب، ساختارهای نوین، ناصر تقوایی، ابراهیم گلستان، مد و مه، تابستان همان سال

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1537816>

